

بیو گرافی دکتر جی آلن هینک



جی آلن هینک

ستاره‌شناسی، اختر فیزیک، یوفوشناسی

سپتامبر ۱۹۴۷ بود و نیروی هوایی آمریکا با مشکل تازه ای روبرو شده بود. انبوهی از گزارشات به دست آن می رسید که همگی به یک موضوع اشاره داشتند: رویت اجسام عجیب و غریب در آسمان که ترس را بر اندام مردم و نظامیان حاضر در میدان های نبرد انداخته بود. نیروی هوایی آمریکا باید سریع تر متوجه می شد که چه اتفاقی در حال رخ دادن است و در همین راستا بررسی هایش را تحت عنوان پروژه نشانه (ساین) آغاز کرد و پروژه کتاب آبی پی ریزی شد.

تا اوایل سال ۱۹۴۸ میلادی تیم بررسی کننده به این نتیجه رسید که به تخصص خارجی برای تحلیل گزارشات دریافتی اش نیاز دارد و خصوصا یک ستاره شناس می خواهد تا مشخص نماید که چه پدیده هایی به لحاظ اختر شناسی دارای توضیح هستند (مثلا سیاره ها، ستاره ها و شهاب سنگ ها).

برای جی آلن هینک اما که در آن زمان ۳۷ ساله بود و مدیریت رصدخانه مک میلین در دانشگاه ایالتی اوهایو را بر عهده داشت، پیشنهاد کاری نیروی هوایی آمریکا که بعدها نام پروژه کتاب آبی بر آن نهاده شد، پروژه ای بود مثل دیگر پروژه هایی که تا آن زمان انجام داده بود و ابدا خبر نداشت که این پروژه زندگی اش را برای همیشه دستخوش تغییر می کند.

آغاز ماجراجویی



جی آلن هینک در طول جنگ برای نیروی هوایی آمریکا کار کرده بود و تکنولوژی های دفاعی نوینی را برای این سازمان توسعه داده بود که از آن جمله میتوان به نخستین فیوز کنترل شونده از طریق امواج رادیویی اشاره کرد؛ به

همین خاطر نیز نیروی هوایی اعتماد و اطمینان کافی را به او داشت و شخص هینک نخستین انتخاب برای پیش بردن پروژه بررسی اجسام ناشناخته در آسمان آمریکا بود.

خودش آن روزها را اینطور توصیف می کند:

روزی، چند نفر از مرکز فنی پایگاه رایت پترسون نیروی هوایی به سراغم آمدند که تقریباً صد کیلومتری با محل زندگی ام فاصله داشت. آنها با شرمی که در چهره شان دیده می شد موضوع اشیاء پرنده ناشناس را مطرح کردند و از من پرسیدن که آیا میتوانم به عنوان مشاور نیروی هوایی در رابطه با این موضوع با آنها همکاری کنم یا خیر. به نظر نمی رسید کاری که از من می خواهند خیلی زمانم را بگیرد و به همین خاطر نیز پیشنهادشان را پذیرفتم.

هینک از همه جا بی خبر ابدان نمی دانست که این پیشنهاد آغاز ماجراجویی چندین ساله اش در پروژه کتاب آبی است که او را به یکی از معروف ترین و جنجال برانگیز ترین

دانشمندان قرن بیستم تبدیل می شود. او حتی تصورش را هم نمی کرد که با حضورش در این پروژه دیدگاه هایش در مورد UFOها تا چه اندازه تغییر خواهد کرد. شاید جالب باشد بدانید که او بعدها روی انجام تحقیقات همه جانبه و دقیق پیرامون این موضوع اصرار می ورزید حال آنکه پیشتر نظر دیگری داشت.

قبلا در سال ۱۹۴۸ در مورد UFOها شنیده بودم و درست مانند هر دانشمند دیگری تصور می کردم که آنها وجود ندارند.

پروژه ساین برای یک سال ادامه پیدا کرد و در طول این مدت تیم دست اندر کار ۲۳۷ گزارش دریافتی در این باره را مورد بررسی قرار دادند. هینک در گزارش آخرش خاطرنشان کرده بود که در حدود ۳۲ درصد از آن گزارشات توضیح اخترشناسی داشتند، در حالی که برای ۳۵ درصد دیگر توضیحات دیگری وجود داشت؛ برای مثال حرکت بالون ها، راکت ها یا پرندگان. ۲۰ درصد باقی مانده از گزارشات هم شواهدی در رابطه با UFOها داشتند اما امکان توضیح شان وجود نداشت.



نیروی هوایی آمریکا اما از کاربرد کلمه UFO (به معنای اشیاء پرنده ناشناس) برای توصیف آنها بیزار بود و به همین خاطر آن ۲۰ درصد گزارش هایی که به وجود اشیاء مرموز اشاره داشتند را صرفاً در زیرگروه ناشناخته ها طبقه بندی کرد.

در سال ۱۹۴۹ پروژه ساین جای خود را به برنامه دیگری تحت عنوان پروژه کینه (Grudge) داد. در حالی که پروژه ساین همانطور که از نامش بر می آید تلاش می کرد به دنبال نشانه ها برای ارائه توضیحات علمی پیرامون UFOها بگردد، پروژه کینه از همان ابتدا سر ناسازگاری داشت و به کل همه چیز را رد می کرد. هینک که هیچ نقشی در پروژه کینه نداشت اعلام کرد «فرضیه اصلی در پروژه کینه بر نبودن UFOها اصرار دارد.»

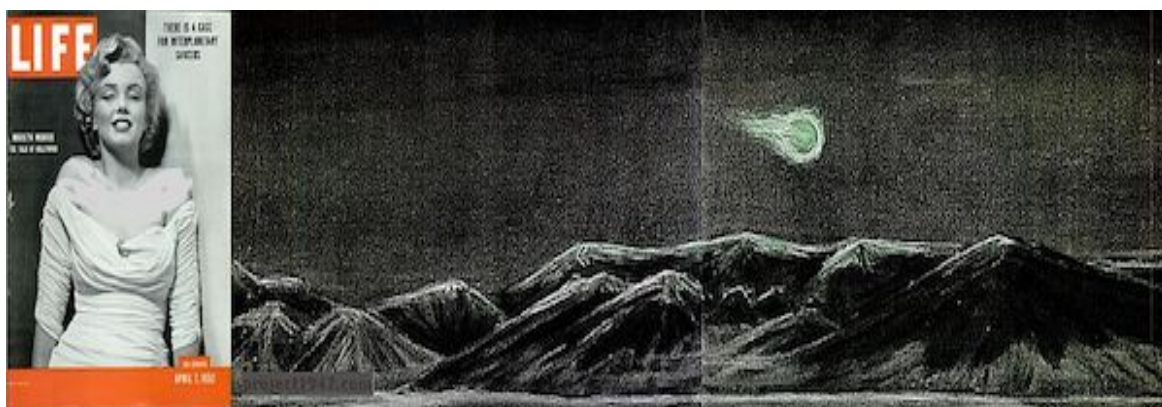
گزارش نهایی این پروژه نیز در سال ۱۹۴۹ منتشر شد و جای تعجب ندارد که بگوییم در آن اعلام گردید پدیده UFO هیچ خطری را متوجه ایالات متحده آمریکا نخواهد کرد و صرفا حاصل وحشت عمومی، فریب تعمدی و بیماری روحی است و در پاره ای از موارد شهروندان صرفا اشیائی عادی را رویت اما به شکلی اشتباه آنها را تفسیر کرده اند. در انتهای این گزارش هم اشاره شده بود که موضوع ارزش صرف وقت بیشتر را ندارد.

پروژه کتاب آبی متولد می شود



با در نظر داشتن آنچه در گزارش نهایی پروژه کینه نوشته شده بود بسیاری تصور می کردند که پرونده UFOها برای همیشه مختومه شده است اما موارد مشاهده آنها همچنان ادامه داشت و حتی اپراتورهای راداری نیروی هوایی نیز گزارشاتی سردرگم کننده در این رابطه می دادند. به این ترتیب رسانه های آمریکایی پدیده UFOها را جدی تر از هر زمانی تلقی می کردند. برای مثال مجله لایف در سال ۱۹۵۲ میلادی مقاله ای بلند بالا در رابطه با آنها نوشت و تصویر مربوط به آن مقاله را روی جلدش چاپ کرد. ادوارد مورو از خبرنگاران شناخته شده تلویزیونی آن دوران نیز برنامه ای اختصاصی با این موضوع ساخت و مصاحبه ای با کنث آرنولد انجام داد.

آرنولد در سال ۱۹۴۷ میلادی جزو تیم خلبانانی بود که روی منطقه Mount Rainier در واشنگتن به دنبال UFOها می گشتند. نیروی هوایی چاره دیگری نداشت جز اینکه پروژه کینه را بعدها نامش به پروژه کتاب آبی تغییر یافت دوباره احیا کند.



HAVE WE VISITORS FROM SPACE?

هینک در سال ۱۹۵۲ میلادی به پروژه کتاب آبی پیوست و تا سال ۱۹۶۹ و همزمان با منحل شدن پروژه از آن جدا شد. پروژه کتاب آبی برای هینک حکم یک کار جانبی را داشت چون آنطور که خودش می گوید همزمان به تدریس در دانشگاه ایالتی اوهایو اشتغال داشت و در خارج از چارچوب آن پروژه سوژه مورد نظر را دنبال می کرد. در سال ۱۹۶۰ میلادی هینک به دانشگاه نورث وسترن در ایوانستون ایلینوی منتقل شد تا ریاست دپارتمان ستاره شناسی آن را بر عهده بگیرد.

در آن دانشگاه نیز درست مانند سابق هینک وظیفه داشت که به بررسی گزارشات مربوط به UFOها بپردازد و دریابد که آیا توضیح منطقی و خوبی به لحاظ اخترشناسی برای آن پدیده ها وجود دارد یا خیر. طبق معمول آن پروژه مقالات علمی متعددی را ارائه کرد و این شانس را به هینک داد تا به بررسی دقیق این موضوع بپردازد و اطلاعات خود در رابطه با موضوع را افزایش دهد.

در حین همین بررسی ها بود که هینک به یک موضوع جالب پی برد: مردمی که گزارشات مربوط به UFOها را ثبت کرده بودند عموماً افراد عادی بودند. او در کتاب سال ۱۹۷۷ خود با موضوع **The Hynek UFO Report** چنین می گوید:

شاهدانی که با آنها مصاحبه کردم ممکن بود دروغ بگویند، مجنون باشند یا حتی دچار هذیان شده باشند. اما خودم چنین تصویری نداشتم. جایگاه آن افراد در جامعه، سردرگمی شان در مورد رویدادهایی که باور داشتند دیده اند و امتناع همیشگی شان برای صحبت در مورد موضوع همگی

تجربه آنها در مشاهده UFO را واقعی جلوه می دادند.



هینک تا پایان عمرش با دیدگاه تمسخرآمیز در مورد آدم هایی که ادعا می کردند UFO دیده اند مخالفت می کرد؛ برخی معتقد بودند که این افراد بیمار هستند و باید درمان شوند، به همین خاطر بسیاری که با این پدیده روبرو شده بودند از مراجعه به هینک یا سازمان های مربوطه خودداری می کردند تا مبادا با این چشم نگریسته شوند. این رفتار نتنها نوعی بی انصافی در حق آن افراد محسوب می شد بلکه دانشمندان را از حجم انبوه اطلاعاتی که میتوانستند در اختیارشان قرار بگیرد محروم می کرد

چشم‌ها به آسمان و شوروی

در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی نیروی هوایی آمریکا با مشکل اضطراری دیگری روبرو شد. در چهارم اکتبر سال ۱۹۵۷ جماهیر شوروی با پرتاب نخستین قمر مصنوعی دنیا به فضا به نام اسپوتنیک تاریخ ساز شد و غرور آمریکایی‌ها و حس برتری‌شان در زمینه تکنولوژی جریحه دار شد.

در آن زمان هینک از دانشگاه اوهایو مرخصی گرفته بود تا روی نوعی سیستم دنبال کننده ماهواره ای در هاروارد کار کند. در همان دوران بود که حضور مرتب و مستمر او در برنامه های تلویزیونی آغاز شد. هینک کنفرانس های خبری متعددی برگزار می کرد تا این اطمینان را به آمریکایی ها بدهد که دانشمندان شان از نزدیک اوضاع را رصد می کنند. در ۲۱ اکتبر سال ۱۹۵۷ تصویر هینک به همراه فرد وپیل از ستاره شناسان هاروارد و دان لوتمند از همکارانش در این دانشگاه روی جلد مجله لایف نقش بست و هینک برای نخستین بار در لباس یکی از مشاهیر ملی آمریکا ظاهر شد.



J. Allen Hynek, 1954

اسپوتنیک هر ۹۸ دقیقه به دور زمین می چرخید و از آنجا که بدون هیچ تجهیزاتی می شد حرکتش را مشاهده کرد نگاه های عموم آمریکایی ها رو به آسمان شد و جالب آنکه همچنان گزارشات جسته و گریخته از مشاهده UFOها منتشر می شد.

از دکتر هینک به UFO

در دهه ۱۹۶۰ میلادی هینک نامش را به عنوان متخصص عالی آمریکا و شاید جهان در رابطه با UFOها مطرح کرد و مشاوره دادن به پروژه کتاب آبی به یکی از افتخاراتش بدل شد. با این حال اما در پشت صحنه او مرتباً از اجبار پروژه برای کم ارزش دادن گزارشات مشاهده UFOها سرزنش می کرد و رویه آن پروژه را مورد انتقاد قرار می داد؛ در واقع او معتقد بود کارهایی که در قالب پروژه کتاب آبی انجام می شدند ناکافی هستند و ارتباطاتی که در چهارچوب آن با دانشمندان بیرونی انجام می گرفت ترسناک بودند و روش های آماری مورد استفاده در پروژه کتاب آبی چیزی بیشتر از تعبیرهای هجو آمیز نیستند.

این احساس ظاهر را دو طرفه بود چراکه ظاهر Hector Quintanilla از فرماندهان نیروی هوایی آمریکا هم همین نظرات را در مورد هینک داشت و در یکی از دست نوشته هایش از او با عنوان بدهکار یاد کرده بود.

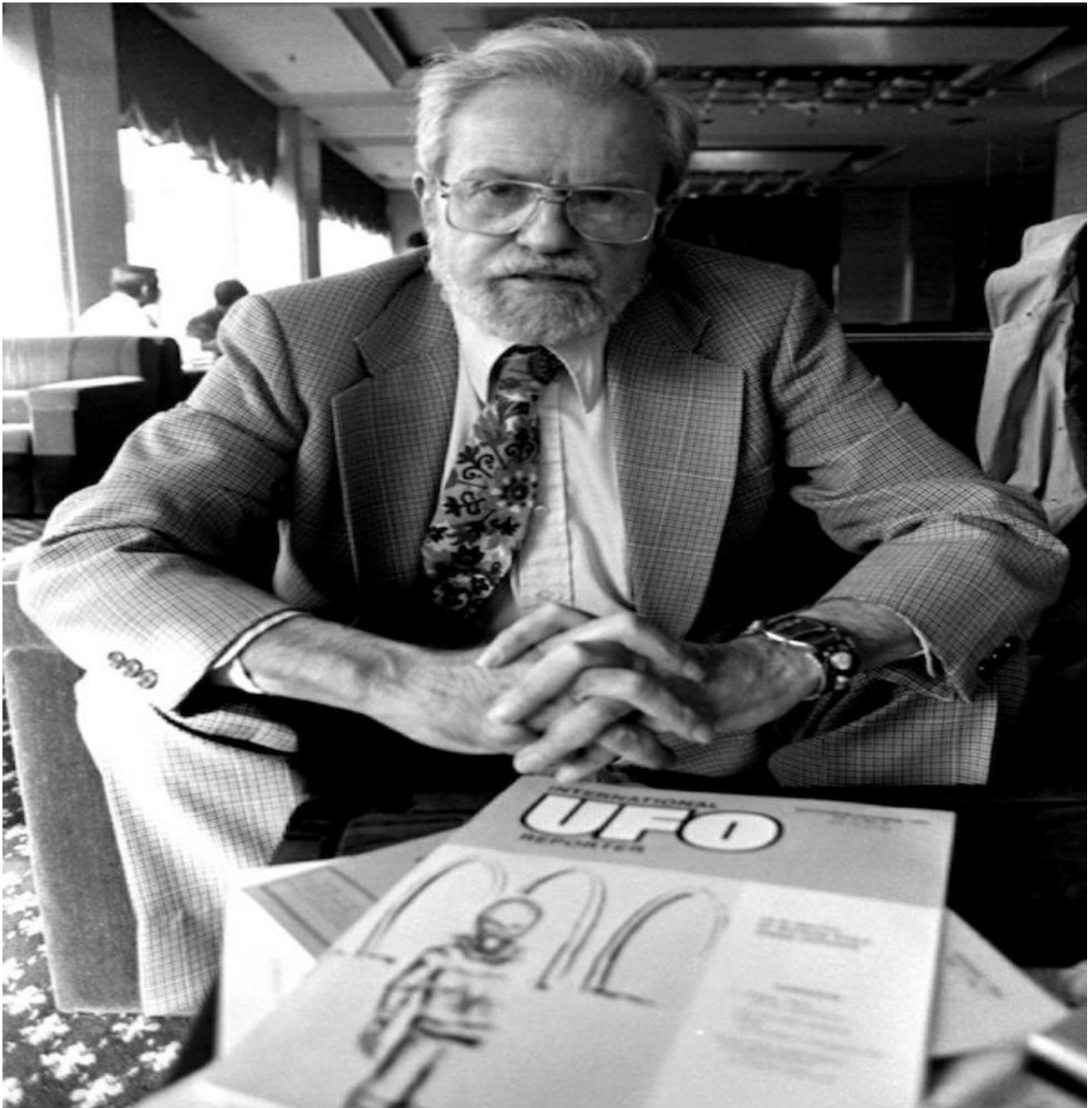
شاید سوال کنید که چرا هینک همچنان به همکاری اش با نیروی هوایی ادامه می دهد. او در این رابطه توضیحاتی به این شرح را ارائه می کرد:

پروژه کتاب آبی اندوخته ای از اطلاعات بود و شاید به واسطه ارتباطم با آن پروژه میتوانستم به اطلاعات ارزشمندش دسترسی پیدا کنم.

اما هینک همزمان با خمشی که نسبت به منکران UFO داشت روی خوشی هم به معتقدان آن نشان نمی داد.

برای مثال در سال ۱۹۶۶ میلادی او عازم میشیگان شد تا گزارشات متعدد در مورد نورهای عجیب در آسمان را مورد بررسی قرار دهد. اما وقتی اعلام کرد که آن نورها احتمالاً توهمان ایجاد شده از گازهای باتلاقی بوده اند از سوی رسانه ها مورد اسهزاء قرار گرفت و عبارت گاز باتلاقی او سوژه کاریکاتور است های نشریات شد. مهم تر از آن اینکه دو نماینده کنگره اهل میشیگان از جمله جerald Ford این حرف ها را نوعی توهین به شهروندان آمریکایی

قلمداد کردند و از کنگره درخواست برگزاری جلسه
استماع کردند.



هینک در جریان این جلسه فرصت را مغتنم شمرد تا از
تحقیقاتش در نیروی هوایی طی سالیان گذشته بگوید که
البته با موفقیت اندکی هم روبرو بود. او در این باره گفت:

به نظر من مجموع اطلاعات گردآوری شده از سال ۱۹۴۸ باید از سوی پنل غیرنظامی دانشمندان اجتماعی و فیزیکی مورد بررسی های دقیق قرار بگیرد تا مشخص شود که آیا مشکلی جدی وجود دارد یا خیر.

طولی نکشید که هینک به خواسته قلبی اش رسید یا دست کم اینطور به نظر می آمد. از آن زمان به بعد بررسی های دقیق تری در کنگره آمریکا پیرامون این موضوع انجام شد و نیروی هوایی کمیته ای غیرنظامی از دانشمندان را تشکیل داد تا موضوع UFOها را مورد بررسی قرار دهند و ریاست آن کمیته نیز بر عهده دکتر ادوارد کاندن فیزیکدان دانشگاه کلورادو بود. هینک در این کمیته عضویت نداشت اما در ابتدای کار امیدوار بود که چنین اتفاقی رخ دهد. دو سال بعد اما همزمان با صدور گزارشی تحت عنوان کاندن (به نام استاد دانشگاه کلورادو) هینک نیز امیدش را در این رابطه از دست داد.

در سال ۱۹۶۹ میلادی پروژه کتاب آبی برای همیشه متوقف شد

او که به شدت از این اتفاقات دلخور بود گزارش منتشر شده را «بی نظم» و «در هم ریخته» خطاب کرد و دیباچه گزارش کاندن را نیز تحریف شده خواند. در آن گزارش چندین مرتبه از یوفوها یاد شده بود با این حال اما دانشمندان توضیحی برای آن نداشتند و در پایان نیز اینطور نتیجه گیری شده بود که مطالعات بیشتر در مورد یوفوها قابل توجیه نیست. این دقیقا همان چیزی بود که هینک نمی خواست.

یک سال بعد یعنی حدودا ۱۹۶۹ میلادی پروژه کتاب آبی برای همیشه متوقف شد.

فصلی تازه پس از پروژه کتاب آبی

پایان کتاب آبی نقطه عطفی برای هینک بود. او دیگر از ناامیدی ها، مصالحه ها و قلدری های نیروی هوایی آمریکا راحت شده بود و یک مرد آزاد بود.

در عین حال اما یوفوها در سرتاسر دنیا مشاهده می شدند و هینک نیز در طعنه به نیروی هوایی آمریکا و در واکنش

به مشاهده یوفوها در سراسر دنیا اظهار داشت:
این مردم احتمالاً گزارش کاندن را خوانده اند.

در سال ۱۹۷۲ او نخستین کتاب خود با عنوان «تجربه یوفو» را منتشر کرد که علاوه بر توصیف تلاش هایش در این زمینه بخشی تحت عنوان مشاهدات نزدیک داشت و در آن موارد مشاهده یوفوها طبقه بندی شده بودند.

مشاهده های نزدیک نوع اول در واقع به مواردی اشاره داشتند که در آنها فاصله افراد با این اجسام آنقدر نزدیک بود که میتوانستند جزئیاتش را ارائه کنند.

در مشاهده نزدیک نوع دوم یوفو اثری فیزیکی داشته (مثلاً سوزاندن درختان، ترساندن حیوانات یا از کار افتادن موتور ماشین ها)

و در نوع سوم نیز شاهدان حتی سرنشینان در یوفوها را گزارش کرده بودند.

نوع سوم از این طبقه بندی (Close Encounters of the Third Kind) در ادامه موضوع یکی از فیلم های استیون اسپیلبرگ در سال ۱۹۷۷ میلادی شد و ظاهراً این

کارگردان مشهور مبلغ هزار دلار را هم بابت استفاده از عنوان **Close Encounters of the Third Kind** به وی پرداخت کرد و هزار دلار دیگر نیز بابت حق استفاده از داستان های کتاب و ۱۵۰۰ دلار نیز برای سه روز دریافت مشاوره فنی از او. هینک حتی حضوری کوتاه در این فیلم داشت و نقش یک دانشمندان را ایفا می کرد.

در سال ۱۹۷۸ میلادی هینک از دانشگاه بازنشسته شد اما همچنان به گردآوری اطلاعات از یوفوها و ارزیابی گزارشات در این رابطه تحت نظارت مرکز مطالعات یوفو (۱۹۷۳ میلادی تاسیس شد) ادامه می داد. این مرکز همچنان فعال است.

هینک در سال ۱۹۸۶ میلادی و در سن ۷۵ سالگی به خاطر ابتلا به تومور مغزی در گذشت. البته او تا لحظه مرگ معمای یوفوها را حل نکرد اما شاید بیشتر از هر فرد دیگری زندگی اش را صرف مطالعات علمی در این رابطه کرد.

تهیه شده در کانال فرامینی ها

@farzamaniha

اینستگرام

@farzamaniha

وب سایت فرامینی ها دنبال

<http://farzamaniha.ir>